

بررسی نقش دعا در فرهنگ انتظار

رشید داوودی^۱

چکیده:

امروز بشریت در سراسر عالم و در میان تمام ادیان و مذاهب به دنبال رسیدن به آرزویی بزرگ است. رسیدن به این آرزو، نقطه‌ی اتصال و اشتراک میان تمام انسان‌هاست و آن رسیدن به آرمان شهر موعودی است که اساس قوانین آن بر پایه‌ی عدالت و برابری است و بر کرسی حکمرانی آن انسانی فرهیخته و عادل جای گرفته است که واسطه بین آسمان و زمین و خلیفه و جانشین خداوند در زمین است. لذا برای دستیابی و رسیدن به چنین جامعه‌ای باید انسان‌های منتظر زمینه‌های استقرار این دولت کریمه را آماده و سمت و سوی حرکتشان به سمت فرهنگ‌سازی و زمینه‌چینی این آرمان شهر موعود باشد. در این مقاله نگارنده از میان مؤلفه‌های متعددی که در شکل‌گیری و فرهنگ‌سازی چنین جامعه‌ای نقش ایفا می‌کنند به بررسی نقش دعا در شکل‌گیری فرهنگ انتظار پرداخته است.

در این تحقیق ابتدا به بررسی مفهوم‌شناسی واژگان دعا و فرهنگ انتظار پرداخته شده و سپس مؤلفه‌هایی را که در انتظار نقش ایفا می‌کنند را برشمرده و در ادامه وظایفی که فرد و جامعه‌ی منتظر در نیل به این فرهنگ دارند بیان شده است و از میان تمام این مؤلفه‌ها و وظایف به نقش دعا در مسئله‌ی انتظار به عنوان کلید ظهور و نیل به آرمان شهر موعود و دولت کریمه پرداخته و بیان می‌شود که در شکل‌گیری چنین جامعه‌ای دعا به عنوان یک تکلیف بر عهده فرد و اجتماع است. و در خاتمه تحقیق چگونگی انجام این خواستن و دعا کردن در بُعد فردی و اجتماعی بیان و آثار و نتایج مترتب بر آن به طور مختصر بیان گردیده است.

واژگان کلیدی: دعا و نیایش، فرهنگ انتظار، آثار انتظار، دعا برای ظهور، فرج و گشایش



مقدمه

عصر غیبت، عصری پرچالش است؛ چون همه‌ی انسان‌ها در تمام جوامع از حضور حجت الهی محروم شده‌اند و جامعه‌ی بشری از بلوغ لازم برای بهره‌مندی از حضور امام علیه السلام برخوردار نیست؛ لذا چنین جامعه‌ای، تمام مناسبات خود را بر اساس تفکرات امانیستی و خودمحور پایه گذاری و برقرار می‌کند و واضح است که چنین تفکری پر از چالش و تضاد درونی است و جنگ‌ها و خونریزی‌های طول تاریخ غیبت، این مطلب را کاملاً نشان می‌دهد.

دعا از دو جهت در فرج و ظهور، نقش ایفا می‌نماید. یکی، تأثیرات فردی دعا و دیگری، فضا سازی اجتماعی و آماده کردن جامعه برای ظهور، که در نهایت منجر به شکل‌گیری فرهنگ انتظار در سراسر جامعه می‌شود؛ در این زمینه احادیث و روایاتی هست که به این معنا اشاره دارد، از جمله اینکه دعا برای تعجیل در فرج، موجب گشایش امور می‌شود. «و اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج، فان ذلك فرجکم»^۱.

در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان، از مصلحتی که در آخرالزمان ظهور خواهد نمود و به جنایت‌ها و خیانت‌های ضد انسانی خاتمه خواهد داد و شالوده‌ی حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد، سخن به میان آمده و تمام پیامبران و سفیران الهی در این زمینه به مردم با ایمان جهان، نویده‌هایی داده‌اند. بشریت، باید بفهمد که امام زمان عجل الله تعالی فرجه تنها راه‌رهایی او از چالش‌های جهان بشری است و وقتی چنین معرفتی را پیدا کند، مهر و محبت او به امام زمان عجل الله تعالی فرجه بیشتر خواهد شد و این مطلب موجب می‌شود که زبان به دعا بگشاید و وقتی فرهنگ دعا شکل بگیرد؛ در نتیجه، انتظار و آماده‌سازی فردی و اجتماعی هم به وجود می‌آید و انسان را در راه زمینه‌سازی برای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه یاری خواهد کرد.

در مورد ارزش و جایگاه دعا کافیست که قرآن کریم می‌فرماید: «اگر دعای شما نباشد، اصلاً خدای متعال، هیچ توجهی به شما نخواهد کرد»^۲ و همچنین در روایات،

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۲. سوره‌ی فرقان، آیه ۷۷.

دعا را مُخ و مغز عبادت دانسته‌اند،^۱ عبودیتی که فلسفه خلقت و آفرینش است^۲ و این فرهنگ دعاست که باید با فرهنگ انتظار پیوند بخورد تا انسان برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه اقدام عملی انجام دهد.

مفهوم‌شناسی

دعا در لغت:

«دعا» به معنای خواندن، حاجت خواستن و استمداد است، و گاهی مطلقاً «خواندن» از آن منظور است.^۳ لغت‌نامه دهخدا دعا را به معنی «حاجت خواستن، استغاثه به خدا، استدعای برکت، تضرع و...» و دعا کردن را «درخواست کردن از درگاه خدا، از خدا چیزی طلب کردن، چیزی اعم از بد و نیک برای کسی از خدا خواستن» معنی می‌کند.^۴

دعا در اصطلاح:

در اصطلاح دعا عبارت است از: خواستن حاجت از خدای متعال. واژه دعا و دیگر مشتقات آن در قرآن مجید تقریباً در ۱۳ معنا به کار رفته است که از جمله‌ی آنها، خواندن، دعا کردن، خواستن از خداوند، ندا دادن، صدا زدن، دعوت کردن به چیزی یا به سوی کسی، استغاثه و یاری خواستن؛ عبادت کردن و... می‌باشد.^۵ دکتر آلکسیس کارل، می‌گوید: «نیایش (و دعا) اصولاً کشش روح به سوی کانون غیرمادی جهان است. به طور معمول، نیایش عبارت است از تضرع و ناله مضطربانه و طلب یاری و استعانت و گاهی یک حالت کشف و شهود روشن و آرام درونی و مستمر و دورتر از اقلیم همه‌ی محسوسات است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که نیایش پرواز روح به سوی خداست و یا حالت پرستش عاشقانه‌ای نسبت به آن مبدئی است که معجزه‌ی حیات از او سر زده است و بالاخره نیایش، نمودار کوشش انسان است برای

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۲. سوره الذاریات، آیه ۵۶.

۳. قاموس قرآن، ذیل واژه‌ی دعا.

۴. نرم افزار لغت نامه دهخدا، ذیل واژه‌ی دعا.

۵. دانشنامه‌ی قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۱۰۵۴.



ارتباط با آن وجود نامرئی، آفریدگار همه هستی»^۱.

شاید بتوان گفت، جامع‌ترین بیان برای تعریف دعا، «طلب به معنای عام» است که طلب تکوینی و سؤال و درخواست فطری را شامل می‌شود. در واقع دعا، طلب خلق از خالق هستی و ایجاد ارتباط با او از طریق زبان سرّ، زبان قلب و زبان تکوین است. در نظام هستی، توجه خاص خداوند متعال بر بندگان، زمانی است که آنها از آمادگی، قابلیت و استعداد لازم برخوردار باشند. استعداد پذیرش عنایت خاص الهی وقتی شکل می‌گیرد که آدمی به جایگاه فقر و نیازمندی خویش آگاهی یابد و خالق هستی و غنای محض را به خوبی بشناسد. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ^۲، ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است».

شناخت مقام فقر خود و مقام غنای حضرت حق جلّ و علا، بسترهای لازم را برای ایجاد قابلیت و استعداد پذیرش عنایت خاصّ الهی، فراهم می‌سازد. از این رو، دعا زبان گویای فقر و افتقار آدمی و زبان گویای عبودیت و فلسفه‌ی خلقت و آفرینش است. به همین دلیل، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با افتخار اعلام می‌دارد: «الْفَقْرُ فَخْرِي وَبِهِ أُفْتَخِرُ»^۳ و فقر خویش را ملاک افتخار خود می‌نامد. شناخت فقر و افتقار به آدمی درجه‌ی افتخار آفرین می‌بخشد و قابلیت و عیار او را ارتقا می‌دهد؛ همچنان که امام حسین علیه السلام در روز عرفه نجوا می‌نمود: «ها أنا أتوسل إليك بفقرتي إليك»^۴ اکنون به نیاز و فقرم، به تو متوسل شده‌ام.

از همین رو، قرآن می‌فرماید: «قُلْ مَا يَعْبُؤُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»^۵.

ای پیامبر! بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگار هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند.

فرهنگ انتظار

فرهنگ انتظار، فرهنگ رویش و پویش و دریچه‌ای به جهان آینده و راه نجات فردی

۱. آلکسیس کارل، نیایش، ص ۴۱.
۲. سوره فاطر، آیه ۱۵.
۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۷۳.
۴. مفاتیح الجنان، دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه.
۵. سوره فرقان، آیه ۷۷.



و اجتماعی از بن‌بست‌ها و گرفتاری‌های جسمی و روحی به شمار می‌آید؛ مؤلّد تلاش و حرکت به سوی آینده‌ی روشن و بهتر است. فرهنگ انتظار زیربنای ایجاد نظم عادلانه جهانی در پرتو انسان کامل و رهبری معصوم به شمار می‌آید و انسان‌ها و جامعه را در برابر تمام بیماری‌های فکری و روحی بیمه می‌کند؛ فرهنگ انتظار در پیشگیری بنیادی از تهاجم فرهنگی نقش اساسی دارد و تمام کمبودها را جبران می‌کند و تمام موانع را برمی‌دارد و سکوی پرواز به جهانی آزاد و بهتر (آرمان شهر یا دولت کریمه) است. این فرهنگ انسان و جامعه را برای تحقّق جامعه‌ی مهدوی آماده می‌سازد و فرهنگ اصلاح خود و جامعه، آمادگی برای ایثار و تسلیم فرمان مولای خود شدن است؛ فرهنگ اندیشه و تعقل، تزکیه و عمل، عشق، جهاد و شهادت به شمار می‌آید.

منتظر، انسان مسلمان متعهدی است که هر لحظه انفجار قطعی نظام‌های ضدانسانی را انتظار می‌کشد و همواره خود را برای شرکت در چنین انقلاب جهانی و جنگ بدری دیگر آماده می‌کند که با شمشیر علی علیه السلام و زره پیغمبر صلی الله علیه و آله و به دست فرزند این دو برپا می‌شود. فرهنگ انتظار و مهدویت، فرهنگ تلاش مستمر، همراه با برنامه و خستگی‌ناپذیر و حرکت در مسیری هدفمند است و به طور منظم برای شناخت ارزش‌ها و باورها و مشخص کردن اهداف، سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اجرای آنها همراه با نظارت و کنترل تلاش می‌کند و زمینه‌های ظهور منجی عالم و رشد و تکامل پایدار انسان و جامعه را فراهم می‌سازد.

فرهنگ‌سازی انتظار در قرآن

به هر حال، از نظر اسلام، قرآن و مسلمانان، مسأله «انتظار» و امید به آینده و حاکمیت مطلق حق در تمام جهان در آخر زمان، یکی از مسائل حیاتی اسلام است و قرآن کریم با قاطعیت هر چه تمام‌تر این مسأله را به عنوان یک وعده‌ی تخلف‌ناپذیر الهی مطرح نموده و در کمال صراحت، پیروزی نهایی ایمان اسلامی و آینده‌ی درخشان آیین پاک محمدی صلی الله علیه و آله را به مسلمانان نوید داده و جای هیچ‌گونه شک و تردید و ابهام برای احدی باقی نگذاشته است.



در این زمینه، آیات بسیاری در قرآن کریم وارد شده که برای نمونه برخی از آنها را در اینجا می‌آوریم.

۱. در سوره «توبه» آیه ۳۳ در مورد جهانی شدن آیین اسلام و غلبه‌ی این دین مُبیین بر همه‌ی ادیان جهان، چنین آمده است: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)

«او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه‌ی آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند».

۲. در همان سوره آیه ۳۲، در مورد اراده‌ی خداوند بر تکامل نور اسلام، چنین آمده است: (يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيرَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ).

«آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند».

۳. در سوره‌ی «نور» آیه ۵۵ در مورد وعده‌ی خداوند به صالحان و شایستگان و موادّ مورد وعده چنین آمده است: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ).

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند».

۴. در سوره «غافر» آیه ۵۱ در مورد این که خداوند قطعاً فرستادگان خود را یاری خواهد نمود، چنین آمده است: (إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ).

«ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می‌خیزند یاری می‌دهیم».

۵. در سوره «انبیاء» آیات ۱۰۵-۱۰۶ در رابطه با وعده‌ای که خداوند به بندگان صالح و شایسته خود در مورد فرمانروایی آنان بر تمام جهان داده است، چنین آمده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ، إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ». در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد» (۱۰۵) در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان. (۱۰۶)

۶. در سوره «قصص» آیه ۵ در مورد آینده‌ی مستضعفان و حکومت آنان بر سرتاسر کره‌ی خاکی، چنین آمده است: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ». «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».

۷. در سوره‌ی «صافات» آیات ۱۷۱-۱۷۳ در مورد این که خداوند به انبیا و فرستادگان خود، وعده‌ی نصرت و غلبه‌ی همه‌ی جانبه‌ی داده است، چنین آمده است: «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ، إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ، وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ». «وعده‌ی قطعی ما برای بندگان فرستاده‌ی ما از پیش مسلم شده، که آنان یاری‌شدگانند، و لشکر ما پیروزند».

۸. در سوره‌ی «حج» آیه‌ی ۴۱ در مورد مؤمنانی که زمامداری و حکومتشان بر اساس پرستش حق و نظام اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دین حق است و خداوند بدان‌ها وعده داده است که آنان را یاری خواهد نمود، چنین آمده است: «الَّذِينَ أَنْعَمْنَا فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوُا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ». «همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه‌ی کارها از آن خداست».

از مجموع آیات یاد شده به خوبی استفاده می‌شود که جهان روزی را در پیش دارد که حکومت مطلق دنیا به دست پاکان و صالحان و افراد با ایمان خواهد افتاد و طبق روایات و نویدهای تمام انبیای الهی، آن عصر درخشان و روزگار طلایی که مورد انتظار





بشر و همه‌ی مسلمانان و شیعیان جهان است، همان روز قیام منجی عالم بشر و دوران پر شکوه ظهور مبارک مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه خواهد بود.

مؤلفه‌های فرهنگ انتظار

با بررسی آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام ملاحظه می‌شود که برای شکل‌گیری چنین فرهنگی در جامعه مؤلفه‌هایی وجود دارد که به اختصار بیان می‌گردد،^۱ زیرا در پرتو بیان مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فرهنگ انتظار، می‌توان به فرهنگ انتظار پی برد: انتظار موعود به عنوان یک اصل مسلم اعتقادی؛

در تفکر شیعی، انتظار موعود به عنوان یک اصل مسلم اعتقادی مطرح است و در بسیاری از روایات بر ضرورت انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تصریح شده است که به عنوان مثال روایات زیر را بیان می‌کنیم.

امام صادق علیه‌السلام به اصحاب خود فرمودند: «ألا أخبركم بما لا يقبل الله عز وجل من العباد عملاً إلا به، فقلت: بلى؛ فقال شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمداً عبده ورسوله والإقرار بما أمر الله والولاية لنا والبراءة من أعدائنا يعني الأئمة خاصة والتسليم لهم والورع والاجتهاد والطمأنينة والانتظار للقائم عجل الله تعالی فرجه ۲. آیا شما را خبر ندهم به آنچه خداوند صاحب عزت و جلال، هیچ عملی را جز به آن از بندگان نمی‌پذیرد؟ [راوی] گفتم: بلی بفرمایید. فرمودند: گواهی دادن به این که هیچ کس جز خداوند شایسته‌ی پرستش نیست و این که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست و اقرار کردن به آنچه خداوند به آن امر فرموده و ولایت ما [ائمه معصومین علیهم‌السلام] و بیزاری از دشمنانمان و تسلیم شدن به آنان [ائمه معصومین علیهم‌السلام] و پرهیزگاری و تلاش و مجاهدت و اطمینان و انتظار قائم عجل الله تعالی فرجه.

شیخ صدوق نیز از عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام روایت می‌کند که: «روزی بر آقایم محمدبن علی بن موسی بن جعفر بن محمدبن علی بن الحسین بن ابی طالب علیه‌السلام وارد شدم و می‌خواستم که درباره‌ی قائم عجل الله تعالی فرجه از آن حضرت سؤال کنم که آیا همان «مهدی» است؟»

۱. برای ملاحظه‌ی تفصیلی بحث رجوع شود به «سیدمحمدصادق محمدی، مقاله فرهنگ انتظار، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه».

۲. محمدبن ابراهیم النعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

«فابتدأني فقال لي يا أبا القاسم إن القائم منا هو المهدي الذي يجب أن ينتظر في غيبته و يطاع في ظهوره و هو الثالث من وُلدي...»

حضرت خود سخن را آغاز کرد و فرمود: ای ابوالقاسم! به درستی که امام عصر عجل الله تعالى فرجه از ماست و اوست مهدی که واجب است در (زمان) غیبتش انتظار کشیده شود و در ظهورش اطاعت گردد و او سومین امام از فرزندان من است.^۱

۱. اعتقاد قلبی به ظهور

از اصول فرهنگ انتظار اعتقاد قلبی به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه است و منتظر مؤمن باید یقین داشته باشد به این که حضرت امام عصر عجل الله تعالى فرجه که امام دوازدهم و فرزند بلاواسطه امام حسن عسکری علیه السلام است از روزی که متولد شده است تاکنون به همین بدن عنصری زنده و باقی است و روزی ظاهر می شود و جهان را پر از عدل می کند و ظهور آن حضرت روز معینی ندارد که مردم بدانند بلکه احتمال دارد همین امسال اتفاق بیفتد و احتمال هم دارد سال های بسیار تأخیر بیفتد.

۲. انتظار؛ وسیله ی پیشرفت و تکامل جامعه

در این فرهنگ همان طور که ایمان به مفهوم واقعی خود عبارت از علم و عمل، عقیده و تلاش می باشد، انتظار نیز مفهومی است با اصالت و سازنده و از عالی ترین مکتب هایی است که می تواند جامعه ی اسلامی را در راه پیشرفت و تکامل جلو ببرد و به کلیه ی تلاش ها ارزش و اصالت بخشد.

۳. انتظار، برترین اعمال

در فرهنگ انتظار، منتظر چه فرد باشد و یا جامعه ای خاص و یا امت؛ در حال عبادت و پرستش به سر می برند چرا که روح عمل بلکه برترین عمل انتظار فرج است^۲ و به بیان امام علی علیه السلام منتظر همانند مجاهد تلاشگری است که در راه خدا و احیای

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۱.
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، حدیث ۲۱، قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «افضل اعمال امتی انتظار فرج من الله عزوجل».



سنت‌های اسلامی در پرتو اعتقاد راسخ به انتظار، در خون خود می‌غلطد.^۱
انتظار در اعتقاد تشیع دارای محتوایی اصلاحگر، تحرک‌آفرین و تعهدآوری است که
عالی‌ترین و ارجمندترین نوع بندگی حق تعالی و در نتیجه برترین عمل و نیکوترین
تلاش و جنبش می‌باشد.^۲

ع. انتظار؛ در بر گیرنده‌ی معاد

در امر انتظار، اصل اعتقادی بسیار مهم «معاد» همواره حضور دارد. که این حضور
در سه جهت نمودار است.

(۱) جهت اول: اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه به هنگام ظهور، ستمگران را کیفر می‌دهد و
ظالمان را به سزای اعمال خود می‌رساند و مؤمنان را عزیز می‌دارد و رحمت الهی را به
سزاوران می‌چشاند و این خود نمونه‌ای است از چگونگی معاد و رستاخیز.

(۲) جهت دوم: اینکه به هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه گروهی از پاکان و
پلیدان به جهان باز می‌گردند و به تعبیر قرآن کریم «و یوم نحشر من کل أمة فوجاً»^۳
و این خود قیامت صغری است و نشانه‌ای است برای قیامت کبری.

(۳) جهت سوم: اینکه ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه از «أشراط الساعة» است، یعنی
از علائم قیامت. یکی از علائم و نشانه‌های حتمی قیام قیامت و فرا رسیدن
رستاخیز، ظهور مهدی است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه پیش از قیامت می‌آید و تا
او نیاید و حکومت عدل را در جهان برپای ندارد، عمر جهان به سر نمی‌رسد و
قیامت برپا نمی‌گردد.^۴

۱. منتخب الاثر، ص ۴۹۶، عن امیرالمؤمنین علیه السلام: «المنتظر لامرنا کالمشطح بدمه فی سبیل الله».

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، همان.

۳. سوره نمل، آیه ۸۳.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۵ (علامات ظهوره عجل الله تعالی فرجه من السفیانی و الدجال و غیر ذلک و فیه ذکر بعض أشراط الساعة).
محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۳۶۹.

۵. کسب آمادگی نظامی برای ظهور حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه

یکی از مؤلفه‌های فرهنگ انتظار که به تصریح روایات، در دوران غیبت بر عهده‌ی شیعیان و منتظران فرج حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه است، کسب آمادگی‌های نظامی و مهیا کردن تسلیحات مناسب هر عصر برای یاری و نصرت امام غائب است. چنانکه در روایتی که نعمانی از امام صادق علیه السلام نقل کرده، آمده است:

« باید هر یک از شما برای خروج امام عصر عجل الله تعالی فرجه اسلحه تهیه کند، اگر چه یک نیزه، چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت یاری مهدی اسلحه تهیه کرده است، امید است عمر او را دراز کند تا ظهور را درک نماید و از یاوران مهدی باشد».^۱

۶. انتظار در عمل

در فرهنگ انتظار کسی که در عرصه‌ی انتظار قدم می‌گذارد و از نظر قلبی منتظر می‌شود در عمل هم به بایدها و نبایدها شرع مقدس احترام می‌گذارد. صفات بد را از خود دور می‌کند و خود را به صفات خوب آراسته می‌کند و دلیل بر این مطلب فرموده‌ی امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید: « هر کس خوش دارد، در شمار اصحاب امام عصر عجل الله تعالی فرجه باشد، باید در عصر انتظار، مظهر اخلاق نیک اسلامی باشد. چنین کسی اگر پیش از قیام قائم درگذرد، پاداش او همانند کسانی باشد که قائم را درک کنند و به حضور او برسند، پس در دینداری و تخلّق به اخلاق اسلامی) بکوشید...».^۲

از این رو امام خمینی (ره) می‌فرماید: «ما منتظران مقدم مبارکش هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه حاکم کنیم و از تفرقه و نفاق و دغّل بازی بپرهیزیم و رضای خدای متعال را در نظر بگیریم».^۳

برای زمینه‌سازی ظهور و شکل‌گیری فرهنگ انتظار و ایجاد تغییر و تحولات فردی و اجتماعی، بر منتظران لازم است که اقدامات مختلفی را انجام دهند که در ادامه به اهم آنها اشاره می‌کنیم.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۰، ح ۱۰ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

۳. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۲.



وظایف مُنتظر

چنانکه در بخش قبلی گذشت، انتظار ارزشی بس والا و عظیم دارد که دستیابی به این جایگاه، وظایفی را بر دوش انسان قرار می‌دهد. در روایات و بیانات پیشوایان دین، وظایف فراوانی برای منتظران ظهور بیان شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. شناخت امام

پیمودن جاده‌ی انتظار، بدون شناخت امام منتظر ممکن نیست. استقامت و پایداری در وادی انتظار، وابسته به درک صحیح از پیشوای موعود است؛ بنابراین علاوه بر شناخت امام - به اسم و نسب - لازم است درباره جایگاه امام و رتبه و مقام او نیز آگاهی کافی به دست آورد. ابونصر خدمتگزار امام حسن عسکری علیه السلام می‌گوید:

بیش از غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه خدمت آن حضرت رسیدیم. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از من پرسید: «آیا مرا می‌شناسی؟» پاسخ دادم: آری، شما سرور من، فرزند سرور من هستید. امام فرمود: «مقصود من چنین شناختی نبود». گفتم: خودتان بفرمایید. امام فرمود: «من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم. خداوند به واسطه‌ی [برکت] من، بلا را از خاندان و شیعیانم دور می‌کند».^۱

در این روایت و امثال آن، حضرت مسیر معرفت امام را مشخص کرده و گویی می‌فرماید: باید جایگاه امام در مجموعه نظام هستی شناخته شود و رابطه‌ی امام با پیامبر و نبوت درک شود. از دیگر ابعاد معرفت امام علیه السلام، شناختن سیره و صفات امام است. این بعد از شناخت، تأثیر گسترده‌ای در رفتار و خلق و خوی منتظر می‌گذارد. پرواضح است هر اندازه معرفت انسان به جایگاه امام و به زوایای گوناگون زندگی امام و حجت الهی بیشتر و عمیق‌تر باشد، آثار آن در بخش‌های گوناگون زندگی بیشتر خواهد بود.

۲. الگوپذیری و اقتدا

شناخت به تنهایی کافی نیست. شناختی کافی و وافی است که به مرحله الگوپذیری بینجامد. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این گونه آمده است: «خوشا به حال کسی که

۱. کمال‌الدین، ج ۲، باب ۹۳، ح ۱۴، ص ۱۷۱.

قائم خاندان مرا درک کند؛ در حالی که پیش از دوران قائم، به او و امامان قبل از او اقتدا کرده و از دشمنان او اعلام بیزاری کرده باشد. آنان دوستان و همراهان من و گرامی‌ترین امت نزد من هستند».^۱

اگر هر یک از منتظران، می‌توانند ثواب هزار تن از شهدای بدر را در کارنامه خود داشته باشند، واضح است که باید با آنان سنخیت داشته باشند؛ لذا اصلاح نفس و اخلاص در عمل، یکی از مهم‌ترین وظایف منتظران در دوران غیبت به شمار می‌رود. امام ششم علیه السلام فرمود: «هر کس دوست دارد از یاران قائم باشد، باید در حالی که منتظر است، اعمال صالح انجام دهد و ورع پیشه کند».^۲

آری؛ از منتظران مُصلح، جز این توقع نیست که از امام الگوپذیری کرده و خود نیز صالح باشند. در غیر این صورت وقتی سنخیتی میان این دو نباشد نسبتی هم، چه پیش از ظهور و چه پس از ظهور میان شیعه و امام برقرار نمی‌شود.

۳. یاد امام

آنچه پایداری در راه انتظار را به دنبال دارد و منتظران را در کسب معرفت و پیروی از آن بزرگوار یاری می‌کند، پیوستگی و ارتباط مداوم با آن طبیب جان‌هاست. یاد امام، در قالب‌های متعددی سفارش شده است؛ از جمله زمزمه کردن دعای عهد در چهل بامداد، دعا برای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه، صدقه دادن برای سلامتی حضرت علیه السلام، خواندن دعای ندبه و...

دعا برای ظهور

ابن مقاتل می‌گوید: حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، از من پرسیدند: شما (شیعیان) در قنوت نماز جمعه کدام دعا را می‌خوانید؟

عرض کردم: آنچه را مردم (اهل سنت) می‌خوانند، می‌خوانیم. امام رضا علیه السلام فرمودند: دعایی را که آنها می‌خوانند، نخوان بلکه در قنوت این دعا را بخوان: اللهم أصلح عبدك و



خلیفتک بما أصلحت به أنبیائک و رسلک، و حفّه بملائئکتک و أیده بروح القدس من عندک، و اسلکه من بین یدیه و من خلفه رسداً یحفظونه من کلّ سوء، و أبدله من بعد خوفه أماًناً یعبدک لا یشرک بک شیئاً و لا تجعل لأحد من خلقک علی ولیک سلطاناً و أذن له فی جهاد عدوِّک و عدوّه و اجعلنی من أنصاره إنک علی کلّ شیءٍ قدیر؛^۱

بار الها! به وسیله‌ی آنچه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح فرمودی، امور بنده و جانشینت [امام عصر عجل الله تعالی فرجه] را نیز اصلاح فرما، با فرشتگانت گرداگردش را فرا بگیر و او را با روح القدس از جانب خودت تأییدش گردان و مراقب و نگهبانانی در پیش رو و از پشت سرش بگمار تا نگذارند هیچ بدی به او برسد و پس از خوفش، به او امنیتی عطا کن تا تو را بپرستد و چیزی را شریکت نگرداند و چیرگی و قدرتی برای هیچ یک از آفریدگانت، بر ولایت قرار مده و به او اجازه بده تا با دشمن تو و دشمن خودش به نبرد برخیزد و مرا نیز از یاران حضرتش قرار ده؛ همانا تو بر هر چیزی توانا هستی.

دعا برای امام زمان یک تکلیف است

دعا برای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه به عنوان یک وظیفه و تکلیف در عصر غیبت، در روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است که تاثیر بسیار زیادی در پویایی جامعه و فرهنگ انتظار دارد و نیروی محرک و بازوی توانمند امید بخش به جامعه‌ی منتظران می‌باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و برخی از امامان بزرگوار علیهم السلام به چنین دعا کردنی امر فرموده‌اند و حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، نیز نه تنها شیعیان خود را به دعا کردن برای تعجیل فرج فرمان داده‌اند، بلکه کثرت دعا را از آنان خواسته‌اند و فرموده‌اند: «برای نزدیک شدن فرج بسیار دعا کنید»^۲

دعا برای ظهور چه آثاری بر فرهنگ‌سازی انتظار(در فرد و جامعه) دارد؟

۱. گشایش کارها

در تعبیر زیبایی از ناحیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه، که در ذیل همان فرمان و امر به دعای برای تعجیل فرج، وارد شده، که کثرت دعا به خودی خود فرج و گشایش شیعیان به

۱. شیخ طوسی، مصباح المتعبد، ص ۳۶۶.

۲. «اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج». حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه. در توفیق مبارک خطاب به اسحاق بن یعقوب، شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵.

شمار آمده است: «واكثرُوا الدعاء بتعجيل الفرج، فان ذلك فرجكم»^۱.

این فرمان نشان می‌دهد که خواسته‌های منتظران، در سایه‌ی «دعا برای فرج» قابل دسترسی است. آنچه را که او در پی ظهور امام‌زمان علیه السلام می‌تواند بیابد، توسط دعاهای خویش برای ظهور امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه نیز می‌تواند به دست آورد، زیرا دعای برای فرج و ظهور باعث گشایش و فرج در امور مردم می‌شود.

به عبارت دیگر امنیت ایمان، رشد اندیشه، آرامش روحی، کمالات معنوی و بهره‌های بی‌پایان دوران پس از ظهور را، به عنایت الهی می‌تواند در همین دوره غیبت با فرهنگ‌سازی انتظار و با اتکا به «دعا برای ظهور» کسب نماید و این امر با توجه به قدرت و مشیت خداوند قابل انکار نیست، زیرا او خود فرمود: «قل ما يعبا بكم ربي لولا دعاؤكم»^۲. بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگار من به شما عنایتی نمی‌فرماید. با توجه به دلالت همین آیه شریفه‌ی است که می‌توان گفت: عنایت و رحمت و فضل خداوند که نامحدود و بی‌انتهای نیز می‌تواند باشد، به مدد دعا و خواستن از او دست‌یافتنی است، اگر چه دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه باشد. زیرا حضرت که قطب عالم امکان است،^۳ مجرای فیض خالق هستی محسوب می‌گردد و هر چه بیشتر به ایشان توجه و تقرب داشته باشیم، از توجهات و عنایات ایشان فزون‌تر بهره خواهیم برد.

«يُمنه رزق الوري و بوجوده ثبتت الأرض و السماء»^۴ خلق به برکتش بهره‌مند می‌شوند و روزی می‌یابند و زمین و آسمان به وجودش پایرجاست».

۲. وسیله‌ی نجات از هلاکت

در برخی روایات، دعا برای فرج وسیله‌ای برای نجات از هلاکت به شمار آمده است، چنان که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: به خدا فرزندم مهدی را غیبتی است که در آن هیچ کس از هلاکت نجات نمی‌یابد مگر کسی که خدای عزوجل او را بر اعتقاد نسبت به امامتش ثابت قدم بدارد و او را نسبت به دعا برای تعجیل فرجش

۱. همان.

۲. سوره فرقان (۲۵)، آیه ۷۷.

۳. «السلام عليك يا قطب العالم»؛ صحیفه‌ی مهدیه، ص ۵۸۲، به نقل از المجموع الرائق، ج ۱، ص ۴۵۱.

۴. مفاتیح الجنان، دعای عدیله.



توفیق عنایت فرماید.^۱

بی تردید شرایط سخت دوران غیبت به گونه‌ای است که جز با اعتقاد محکم نسبت به امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نمی‌توان بر اطاعت و تبعیت او باقی ماند و جز با دعا برای نزدیکی فرج نمی‌توان روح امید را در دل زنده نگه داشت و در برابر دشواری‌های غیبت مقاومت نمود. در عصر غیبت و در فرهنگ‌سازی انتظار، به حسب مأموریتی که از ناحیه معصومان علیهم‌السلام بر عهده‌ی علما و فقها گذاشته‌اند، آنها موظف هستند با راهبرد فرهنگی متناسب با عصر غیبت، آن دوران را مدیریت و رهبری نمایند و فرآیند مهندسی بلوغ اجتماعی را سامان دهند. امام هادی علیه‌السلام می‌فرماید: «لولا من یبقی بعد غیبه قائمنا عجل الله تعالی فرجه من العلماء الداعین إلیه و الدالین علیه و الذابین عن دینه بحجج الله و المنقذین لضعفاء عبادالله من شباک إبلیس و مردته... لما بقی أحدٌ إلا ارتدَّ عن دین الله و لکتهم الذین یمسکون أزمه قلوب ضعفاء الشیعه کما یمسک صاحب السفینه سکنها اولئک هم الأفضلون عند الله عزوجل»^۲

اگر بعد از غیبت قائم ما، دانشمندانی نبودند که به سوی او دعوت کنند و دلالت و رهنمون شوند و از دین او دفاع نمایند و بندگان ناتوان را از دام‌های شیطان و مریدهای او نجات دهند، هیچ کس باقی نمی‌ماند جز این که از دین خدا مرتد می‌گشت. ولی علما، رهبری و مدیریت دل‌های ناتوانان شیعه را عهده‌دار می‌شوند، هم چنان که ملوان‌ها زمام کشتی را به دست می‌گیرند و سرنشین‌های آن را حفظ می‌کنند. این علما نزد خداوند عزوجل، برترین هستند.

۳. عاملی برای حرکت و پویایی جامعه‌ی منتظر

از دیدگاه قرآن و روایات، دعا پشتوانه‌ای برای زندگی و عاملی برای حرکت و پویایی در مسیر خواسته‌های الهی و وسیله‌ای برای هم جهت ساختن نیازها و خواسته‌های بشری با اراده و مشیت خداوند است. با چنین نگرشی، دعا برای فرج، خود نوعی تلاش در راستای رفع موانع ظهور به شمار می‌رود و دعاکننده منتظر با شناختی که از

۱. «و الله لیغیبن غیبه لا ینجو فیها من الهلکه الا من ثبته الله عز و جل علی القول بامامته و وقفه - فیها - للدعاء بتعجیل فرجه. شیخ صدوق، همان، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲. بحارالانوار، ج ۲، ص ۶۷ ح ۱۲.

حکمت‌های غیبت دارد، به نوعی خودش را در مسیر از بین بردن عوامل طولانی شدن آن، به تکاپو وا می‌دارد. دعا کننده برای فرج چون می‌داند که یکی از عوامل غیبت آماده‌نبودن شرایط برای حکومت جهانی آن بزرگوار است، می‌کوشد تا در حد توان خویش در ایجاد چنین زمینه‌ای مؤثر باشد.

۴. دعا برای ظهور، رمز دستیابی بشر به حکومت صالحان (آرمان شهر موعود) مسأله مهمی که همیشه در طول تاریخ پر افتخار اسلام مایه‌ی امید مسلمانان و به‌ویژه «شیعیان» منتظر بوده است، وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی در مورد آینده اسلام و پیروزی نهایی مؤمنان و مستضعفان و محرومان می‌باشد. دین مبین اسلام از همان آغاز پیدایش خود و حتی از همان نخستین سال‌های ظهور پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله پیوسته مسلمانان را به آینده‌ای درخشان امیدوار ساخته است. مسلمانان و به خصوص شیعیان نیز از همان روزگار بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله تا به امروز بر اثر همان وعده‌هایی که پیامبر بزرگوار اسلام به وسیله آیات روح‌بخش قرآن کریم بدان‌ها داده است، با اعتقادی عمیق و راسخ تمامی آن وعده‌ها را جدی گرفته و علیرغم همه‌ی مشکلات و مصایبی که در دوران‌های مختلف تاریخ اسلام دیده‌اند، هرگز امید خویش را از دست نداده و همواره‌ی این اعتقاد اصیل اسلامی را نصب‌العین خود قرار داده‌اند.

مسلمانان بر اساس وعده‌های صریحی که قرآن کریم بدان‌ها داده است، عقیده دارند که طبق قانون خلقت و سنت آفرینش، تاریخ بر مبنای سنت‌های الهی و وعده‌های خدایی به پیش می‌رود و اگر چند روزی دنیا به نفع ستمگران و تجاوزگران و بی‌اعتقدان تمام شود، ولی سرانجام، حکومت مطلق جهان به دست صالحان و حق‌پرستان خواهد افتاد و ستمکاران و طاغوتیان و زورمداران نابود خواهند شد و بالاخره عدالت و امنیت واقعی بر اساس قانون خدا در سرتاسر جهان برقرار خواهد گردید.

مسلمانان و تمام شیعیان بر اساس این عقیده سازنده، ایمان راسخ دارند که «حق» امری اصیل و باطل امر عارضی است و هر عارضه‌ای دیر یا زود، سهل یا دشوار، از بین می‌رود و خواه ناخواه، در آینده‌ای دور یا نزدیک، حق در همه جا حاکم و پیروز



می‌شود و باطل و باطل‌گرایان محو و نابود می‌گردند؛ زیرا تحقّق حقّ و عدل، سنّت خدا و خواست خدا و وعده قطعی خداوند است و خداوند در وعده‌ای که به بندگان صالح خود داده است، تخلف نخواهد نمود. آرمان دیرینه بشر این بوده است که از تمامی گرفتاری‌ها، رهایی یابد و به خلافت و جانشینی الهی در روی زمین نایل گردد و نماینده او شود و صفاتش پرتویی از صفات پروردگار باشد. خالق هستی هم به همین منظور او را آفریده است؛ «وَأَذَقَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»^۱؛ به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌ی «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ...»^۲ می‌فرماید: «نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، هُوَ اللَّهُ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكَعَتَيْنِ وَدَعَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَأَجَابَهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»^۳.

این آیه در مورد مهدی آل محمد علیهم السلام نازل شده است. به خدا سوگند! او مضطر واقعی است، هنگامی که در مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز به جا می‌آورد و به درگاه خداوند دست به دعا برمی‌دارد و خدا هم دعای او را اجابت می‌نماید و ناراحتی‌ها را بر طرف می‌سازد و او را خلیفه‌ی روی زمین قرار می‌دهد.

بنابراین، حضرت صاحب‌الامر عجل الله تعالی فرجه در اوج اضطرار به خالق هستی، به سر می‌برد و تنها راه را حاکمیت خداوند و دین او می‌داند. این آخرین ذخیره‌ی الهی هم همانند جدّ بزرگوارش امیرالمؤمنین علیه السلام «میزان الاعمال»^۴ است و انسان‌ها باید تمامی اعمال و احوال خویش را با آن مقیاس بسنجند و تا می‌توانند به ایشان تقرب جویند و رفتار و ویژگی‌های خویش را به ایشان نزدیک سازند.

از این رو، اضطرار به حجت و درک نیاز و افتقار به امام معصوم علیه السلام، تنها راه نجات انسان و تنها نشان بلوغ آدمی در فرهنگ انتظار است و منتظر تا محرومیت‌هایش را حس نکند و اضطرار به حجت و امام معصوم علیه السلام را نیابد، نابالغ و ناکام خواهد بود و در

۱. سوره‌ی بقره، آیه ۳۰.

۲. سوره‌ی نمل، آیه ۶۲.

۳. نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۴.

۴. بحارالانوار، ج ۲، ص ۶ ح ۱۲.

نتیجه «کشف سوء و استخلاف فی الارض» را نخواهد داشت و در رفتاری‌ها، غوطه‌ور بوده، در چنگال حکومت ستمگران دست و پا می‌زند و هرگز نمی‌تواند آرمان شهر موعود را درک کند.

بنابراین هنگامی که انسان چنین افتقار و نیازی را درون خود حس کرد با دعا و طلب و درخواست از خداوند کریم برای تعجیل در فرج و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌کوشد تا به این دولت کریمه دست یابد، زیرا خوب می‌داند که رمز رسیدن به چنین آرمان‌شهری در گرو ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه به عنوان خلیفه اللهی است، لذا عاجزانه دست به دعا برده و استغاثه و طلب خود را ناله و فریاد می‌زند و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه را طلب می‌نماید.

۵. مهندسی و رشد بلوغ اجتماعی بشر در فرهنگ انتظار

هر گاه انسان از خودسری‌ها رها و از خودمحوری‌ها خسته و ملول گردد و از خودپرستی به خداپرستی رو آورد و به اضطرار حاکمیت خدا، رسول و امام برسد، در آستانه بلوغ اجتماعی قرار می‌گیرد و انسان زمینه‌های لازم را برای کشف سوء و رفع گرفتاری‌ها و استخلاف در زمین و ایجاد حکومت صالحان، فراهم می‌سازد.

بنابراین، هر زمان که انسان‌ها کاستی‌های خود را بیابند و درک کنند که سراسر نیاز و افتقار به آفریدگار بی‌همتا هستند، آن هنگام است که میل و رغبتشان تنها به دولت کریمه در حکومت صالحان معطوف می‌شود و ندا سر می‌دهند که «إنا نرغب إليك في دولةٍ کریمه»^۱ در این هنگام انسان‌ها به رغبت و میل اجتماعی رسیده‌اند، لذا از وضع موجود ابراز نارضایتی می‌کنند و اینجاست که طلب حقیقی و خواست درونی‌شان جمع شده و این بار دعاهایشان رنگ و بویی دیگر می‌گیرد و با تمام وجود فریاد می‌زنند که «إنا نشکوا إلیک فقد نبینا و غیبنا و لیتنا»^۲ و از غیبت مولا و سرور خود به خدا شکایت می‌کنند؛ زیرا ذائقه و رغبتشان به عطر دولت کریمه آشنا شده و اشتیاق یافته است. از این رو، با درک نیاز و افتقار و اضطرارشان به دولت کریمه و انزجارشان از وضعیت لئیمه‌ی جهانی، زبان

۱. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۲. همان.



اضطرار یعنی دعا و استعانت از خداوند متعال گشوده می‌شود «وَأَعْتَا عَلِي ذَلِك بفتح منك تعجُّله». ^۱ خداوندا ما را در فتح پرشتاب و تعجیل فرجش یاری فرما. این گونه است که از پروردگار هستی استعانت می‌جوییم و فتح و گشایش را از او درخواست می‌نماییم و زبان دعا و خواستن ما شکل می‌گیرد. این خواستن «لیقوم الناس بالقسط» ^۲ و به پا ایستادن و توانستن را به همراه دارد و کشف سوء می‌کند و استخلاف صالحان را به دنبال می‌آورد. در نهایت، این دعا و زبان اضطرار آدمی، نماد بلوغ اجتماعی است. از این رو، جامعه به مهندسی بلوغ اجتماعی نیاز دارد و در عصر غیبت و در فرهنگ‌سازی انتظار، به حسب مأموریتی که از ناحیه معصومان علیهم‌السلام بر عهده‌ی علما و فقها گذاشته‌اند، آنها موظف هستند با راهبرد فرهنگی متناسب با عصر غیبت، آن دوران را مدیریت و رهبری نمایند و فرآیند مهندسی بلوغ اجتماعی را سامان دهند. برای این اساس، برای برطرف شدن گرفتاری بشر و رسیدن به مقام خلیفه‌ی الهی و حکومت صالحان، دو مرحله اضطرار و دعا ضروری می‌نماید.

۶. دعا؛ کلید ظهور

بنابر آنچه بیان شد، بی‌جهت نیست که حدیث‌های فراوانی درباره‌ی سفارش به دعا برای حضرت صاحب الامر عجل‌الله تعالی فرجه و فرج ایشان وارد شده است. که می‌توان گفت این امر نشانه‌ی اهتمام ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام به فرهنگ انتظار و نقش کلیدی دعا در فرهنگ انتظار است.

یونس بن عبدالرحمان در مورد دعای امام رضا علیه‌السلام برای حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه می‌گوید: «أنه كان يأمر بالدعاء للحجّة صاحب الزمان عجل‌الله تعالی فرجه» ^۳.

امام رضا علیه‌السلام پیوسته به دعا کردن برای حضرت صاحب الامر عجل‌الله تعالی فرجه امر می‌کردند. یکی از یاران حضرت امام هادی علیه‌السلام از آن حضرت درباره‌ی وظیفه‌ی شیعیان در زمان غیبت امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه پرسید: کیف تصنع شیعته؟ ^۴ در زمان غیبت، شیعیان

۱. همان.

۲. بحارالانوار، ج ۲، ص ۶ ح ۱۲.

۳. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۳۳۲، ح ۵.

۴. همان، ج ۹۵، ص ۳۳۶.

شما چه کاری انجام دهند؟ امام هادی علیه السلام فرمودند: علیکم بالدعاء و انتظار الفرج؛ بر شما باد دعا و انتظار فرج!

وظیفه‌ی ما در عصر غیبت، دعا و رسیدن به مقام خواستن و خواندن است؛ خواستنی که از اضطرار ما به حجت ناشی می‌شود و از رغبت و شکایت و استعانت اجتماعی ما به درگاه خالق هستی سرچشمه می‌گیرد و اضطرار ما را به خدا و حجت خدا می‌نماید. این گونه خواستن، ما را به آستانه دیگر وظیفه‌مان، یعنی انتظار فرج، روانه می‌سازد و به انتظار و آماده‌باش بودن و فراهم ساختن زمینه‌های فرج فرا می‌خواند. این گونه خواستن، آمادگی و توانستن را می‌آفریند و به پا ایستادن و «لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۱ را شکل می‌دهد. از این رو دعا، مقدّم آورده شده و سپس انتظار فرج آمده است. بنابراین، دعا خواستنی است که با آمادگی و آماده‌سازی گِره می‌خورد و وظیفه‌ی شیعه در عصر غیبت، یک پارچه حرکت و اقدام است، نه سکوت و سکون در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی.

خواستن و دعای دسته‌جمعی همه جوامع بشری، می‌تواند به گونه‌ای تحرّک و تحوّل اجتماعی بیافریند که به دنبال آن خداوند متعال، تغییر و تحول در احوال جامعه‌شان به وجود آورد؛ هم‌چنان که بر اساس سنتّ تخلف-ناپذیر الهی آمده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۲

در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. بنابراین، اگر قوم و گروهی به درگاه خداوند متعال و حجت خدا اضطرار یابند و در این سطح تغییر و تحوّل پیدا کنند و در جهت تغییر وضع موجود گام بردارند و حرکت کنند و لب به دعا بگشایند و ضجّه و ناله که تجلّی اضطرار آنان است، بنمایند، خداوند بزرگ مرتبه آن چه را که به آن قوم مربوط می‌شود، متحول می‌سازد و تغییر می‌دهد. حضرت امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند: دعا کن و مگو که کار گذشته است و آنچه مقدر شده همان شود [و دعا اثری ندارد]...^۳

۱. سوره حدید، آیه ۲۵.

۲. سوره رعد، آیه ۱۱.

۳. اصول کافی: با ترجمه و شرح آیت الله محمد باقر کمره‌ای، ج ۶، کتاب دعا، باب فضیلت دعا، ص ۱۶، ح ۳.



مرحوم علامه مجلسی در شرح روایت فوق می‌گوید: ... باید ایمان به بداء داشت و به اینکه خداوند سبحان هر روز در کاری است و هر چه خواهد محو کند و هر چه خواهد ثبت کند و قضا و قدر مانع دعا نیستند؛ چون تغییر در لوح محو و اثبات ممکن است. گذشته از اینکه خود دعا نیز از اسباب قضا و قدر، (است) و امر به دعا نیز از همان‌هاست و^۱

و نیز از آن حضرت نقل شده که فرمودند: «همانا دعا، قضا را برمی‌گرداند و آن را از هم وامی‌تابد؛ چنانچه رشته‌های نخ اگر چه به سختی تابیده شده باشد از هم باز شود.»^۲

براین اساس، با دعا و خواستن، هر قومی به آمادگی و ظرفیت‌هایی می‌رسد که می‌تواند مستعد پذیرش توجهات و عنایات خداوند شود. از این رو، دعا و انتظار فرج با همدیگر ارتباطی هم‌آهنگ می‌یابند و خواستن و آماده‌سازی و توانمندی شکل می‌گیرد. زمانی که قوم و گروهی با اضطرار به درگاه خدا رو می‌کنند، دو چیز در آنان شکل می‌گیرد: دعا و انتظار فرج، «خواستن» و «آمادگی، قابلیت و توانمندی». در این صورت، بارش عنایات و توجهات او آغاز می‌شود.

نکته مهم؛ اصرار در خواستن

کمتر کسی است که در امور شخصی به ویژه در تنگنا و هنگام مواجه شدن با مشکلات و سختی‌های زندگی، دست به دعا بلند نکند و با راز و نیاز، نذر و توسل به اولیای الهی از درگاه حضرت احدیت، گشایش در امور خود را طلب نکند.

نکته مهم این است که ما معمولاً در حوائج فردی خویش بر دعا الحاح و اصرار می‌ورزیم و تا استجابت کامل آن، دست از طلب و درخواست بر نمی‌داریم؛ ولی به مسئله و امر مهم دعا برای تعجیل ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه آن گونه که باید و شایسته است اهتمام نمی‌ورزیم. غافل از آنکه این دعا زیباترین آرزو و بهترین دعاهاست؛ زیرا خیر و سعادت دنیا و آخرت ما و همه‌ی انسان‌ها و نیز گشایش در امور مادی و معنوی

۱. همان.

۲. همان، باب اینکه دعا بلا و قضا را دفع می‌کند، ص ۲۳، ح ۱.

جهانیان، وابسته به امر ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه است. به همین جهت است که ائمه‌ی اطهار علیهم السلام ما را به این امر حیاتی و به اهمیت دعوت نموده‌اند.

امام صادق علیه السلام درباره‌ی نقش دعا در تعجیل فرج و برای تشویق شیعیان به این امر حیاتی و مهم فرمودند: فلما طال علي بني اسرائيل العذاب ضجّوا و بكوا إلى الله أربعين صباحاً فأوحى الله إلى موسى و هارون يخلصهم من فرعون، فحطّ عنهم سبعين و مائه سنه. هكذا أنتم لو فعلتم لفرج الله عنا فأما إذ لم تكونوا فإن الأمر ينتهي إلى منتهاه؛^۱

زمانی که عذاب بنی اسرائیل به طول انجامید، آنان چهل روز به درگاه خداوند ضجه و گریه نمودند تا این که خداوند به موسی و هارون وحی فرمود که آنان را از دست فرعون رهایی بخشد. در نتیجه، خداوند از ۱۷۰ سال باقی مانده عذاب آنان در گذشت. شما هم چنین هستید؛ اگر این گونه عمل کنید، خداوند حتماً گشایش برای ما به وجود می‌آورد و اگر این گونه نباشید، همانا کار این امر به نهایتش می‌رسد و تا آخرین مرحله را طی خواهد کرد.

مؤلف کتاب شریف مکیال المکارم با استناد به این روایت می‌گوید: آنچه از روایات به دست می‌آید ظاهراً این است که وقت ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه از امور بدائیه است که امکان پس و پیش افتادنش هست.^۲

یعنی می‌توان با دعا نمودن، فرج و ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه را جلو انداخت و تشویق ائمه‌ی اطهار علیهم السلام به دعا نمودن برای تعجیل ظهور، بیانگر آن است که حصول فرج و فرا رسیدن دوران ظهور، دارای یک زمان صددرصد تعیین شده و تغییرناپذیر نیست و اگر مردم به مسئله‌ی غیبت امام زمانشان و طولانی شدن این امر بی‌توجهی نموده و با دل‌های متحد و یک‌پارچه، فرج آن حضرت را از خداوند متعال نخواهند، خداوند ظهور آن بزرگوار را تا انتهایی که برای دوران غیبت در نظر گرفته است - و ما از آن اطلاعی نداریم - به تعویق خواهد انداخت و البته این نهایت نیز ممکن است هر لحظه فرا برسد. مؤلف مکیال المکارم می‌نویسد: در زمان حضرت ادریس پیامبر سکته الله نیز وقتی آن حضرت مورد حمله‌ی حکومت طغیان‌گر زمان خویش قرار گرفت، از میان مردم غایب

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۲، ح ۳۴.

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۴۷.



گردید. در دوران غیبت او، پیروانش که در نهایت سختی و شدت قرار داشتند، تصمیم گرفتند در برابر خداوند توبه نمایند. این بازگشت و پشیمانی واقعی باعث شد که خداوند، دوران غیبت او را پایان بخشد. حضرت ادریس علیه السلام ظاهر شد و حاکم ستمگر در برابر او به ذلت و خواری افتاد.

همچنین است اگر مردم در زمان غیبت، به صورت دسته‌جمعی توبه نموده و قصد یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه را نمایند، امید است که خداوند طومار غیبت را درهم‌پیچیده و آن بزرگوار را ظاهر نماید.^۱

مرحوم فقیه ایمانی در کتاب خود می‌نویسد: ... و نیز از بسیاری از اخبار و فقرات ادعیه و زیارات استفاده می‌شود که امر ظهور آن حضرت، اصل وقوعش یک وعده‌ی تخلف‌ناپذیر الهی است؛ ولی زمان وقوع آن از امور بدائیه است که قابل تعجیل و تأخیر است و نیز از بعضی از اخبار به دست می‌آید که دعای مؤمنان هنگامی که با شرایط و آدابش انجام شود، تأثیر به‌سزایی در تعجیل فرج خواهد داشت.^۲

تأثیر دعای همگانی در ظهور

حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه در توقیع شریف خطاب به شیخ مفید رحمته می‌فرماید: اگر شیعیان ما - که خداوند متعال ایشان را به اطاعت خویش موفق بدارد - با دل‌های متحد و یک‌پارچه بر وفای به عهد و پیمان خویش اجتماع می‌کردند، ملاقات ما از آن‌ها به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار و مشاهده با معرفت برای آنها به زودی حاصل می‌شد و زودتر از این به دیدار ما نایل می‌شدند.^۳

برخی روان‌شناسان بزرگ غربی در این مورد معتقدند که: اگر چنین مجموعه‌ای (دعا و خواست همگانی مردم) از افراد تشکیل شود، بی‌تردید قادر خواهند بود در طبیعت و در آنچه پیرامون آنهاست اثر گذاشته و بستری مناسب برای تحقق آن قضیه فراهم آورند. (غربی‌ها با اعتقاد به این اصل، مباحث مربوط به بازگشت مسیح را با آب و تاب

۱. مکیال المکارم، باب چهارم، بحث غیبت انبیاء.

۲. فقیه ایمانی، شیوه‌های یاری قائم آل محمد علیهم السلام، ص ۵۷.

۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

فراوان پیگیری می‌کنند).

مؤسسات دینی انجیلی امریکا و اروپا آنچه را روان‌شناسان گفته‌اند - در قضیه‌ی بازگشت دوباره‌ی مسیح به زمین، پس از حادثه‌ی آرماگدون - به کار بسته و به این گفته‌ی قائلند که بی‌گمان امکان تحقق هر نوع پیش‌گویی در وهله‌ی نخست، به ایمان مردم به پیشگویی بازگشت مسیح و به پافشاری‌شان بر ضرورت به کرسی نشستن این پیشگویی و همچنین به شمار نفرات آنها و شمار نفرات کسانی بستگی دارد که، رهبری کاروان تبلیغاتی به راه افتاده برای تحقق بخشیدن به آن پیش‌گویی را بر عهده دارند.^۱ از مجموع آیات و روایات به خوبی استفاده می‌شود که جهان روزی را در پیش دارد که حکومت مطلق دنیا به دست پاکان و صالحان و افراد با ایمان خواهد افتاد و طبق روایات و نویدهای تمام انبیای الهی، آن عصر درخشان و روزگار طلایی که مورد انتظار بشر و همه‌ی مسلمانان و شیعیان جهان است، همان روز قیام منجی عالم بشر و دوران پر شکوه ظهور مبارک مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه خواهد بود.

کلید رسیدن به این نقطه‌ی آرمانی که آرزوی تمام بشریت بوده و هست و خواهد بود، دعا و خواستن از ذات اقدس خداوند بی‌نیاز است و این خواست هر چه با اصرار و همگانی‌تر باشد قطعاً تأثیرش بیشتر می‌باشد.

اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الامة بحضوره،

و عجل لنا ظهوره، انهم يرونه بعيداً، و نريه قريباً.

برحمتك يا ارحم الراحمين.^۲

والسلام على من اتبع الهدى



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. کلیات مفاتیح الجنان.
۳. امام خمینی (ره)، روح الله، صحیفه‌ی نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
۴. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، مؤسسه‌ی تحقیقات و نشر معارف اهل‌البيت (علیهم‌السلام)، بی‌جا، بی‌تا.
۵. حویزی، عبدعلی بن جمعه العروسی، نور الثقلین، قم، بی‌جا، بی‌تا.
۶. خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانش‌نامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، انتشارات دوستان، ۱۳۷۷.
۷. زبیدی، عبدالکریم، واقعه‌ی آرماگدون، غرب و آمادگی‌های پیش از ظهور، ترجمه‌ی امین میرزایی، فصلنامه موعود شماره ۲۸ به نقل از سایت حوزه.
۸. صدوق، ابوجعفر محمدبن‌علی‌بن‌الحسین، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، قم، دار‌الکتب‌الاسلامیه، ۱۳۹۵ ه.ق.
۹. طوسی، ابوجعفر محمدبن‌حسن، مصباح‌المتجهد، بیروت، مؤسسه‌ی فقه‌الشیعه، ۱۴۱۱ ه.ق.
۱۰. فقیه‌ایمانی، شیوه‌های یاری‌قائم آل محمد (علیهم‌السلام)، انتشارات عطر‌عترت، ۱۳۸۱.
۱۱. قرشی، سیدعلی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار‌الکتب‌الاسلامیه، بی‌تا.
۱۲. کارل، آلکسیس، نیایش، قم، تشیع، ۱۳۵۵.
۱۳. کلینی، اصول کافی، با ترجمه و شرح آیت‌الله محمدباقر کمره‌ای، قم، انتشارات اسوه، چاپ ۱۳۸۷ ه.م.
۱۴. گلپایگانی، لطف‌الله صافی، منتخب‌الاثر، قم، مؤسسه‌ی سیده‌المعصومه، ۱۴۱۹ ه.ق.
۱۵. مجتهدی‌سیستانی، سیدمرتضی، صحیفه‌ی مهدویه، ترجمه‌ی مؤسسه اسلامی، نشر الماس، چاپ ۹، ۱۳۸۷ ه.ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار‌الانوار، بیروت، مؤسسه‌ی الفاء، ۱۴۰۴ ه.ق.
۱۷. نرم‌افزار لغت‌نامه دهخدا.
۱۸. النعمانی، محمدبن‌ابراهیم، الغیبه، تهران، مکتبه‌الصدوق، ۱۳۹۷ ه.ق.
۱۹. نوری‌طبرسی، حسین، مستدرک‌الوسائل، قم، مؤسسه‌ی آل‌البيت (علیهم‌السلام)، ۱۴۰۷ ه.ق.